

## نقش دولت در تحولات فضایی شهر بابل

دکتر معصومه نصیری\* - استادیار مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۸۱/۳/۲۶

### چکیده

این مقاله به بررسی تحولات فضایی شهر بابل می‌پردازد. فرض بر این است که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تحول فضایی شهر، برنامه‌های عمرانی دولت است. در این پژوهش با استفاده از آمارهای قدمت بناهای مسکونی، چگونگی رشد و توسعه فیزیکی شهر روی نقشه‌ها نشان داده شده است. نتایج بررسی فرایند رشد و توسعه شهر بابل از سال‌های ۱۳۰۰ تاکنون نشان می‌دهد که بافت فیزیکی و صورت‌بندی اجتماعی آن از حالت به هم پیوسته و سیستماتیک خارج شده و جدایی‌گزینی اقتصادی و اجتماعی طبقات شهری در آن مشهود است. تحولات سیاسی، تغییر دیدگاه‌های اقتصادی از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات، وقوع انقلاب اسلامی مهم‌ترین عوامل تحولات فضایی شهر بابل بشمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: جدایی‌گزینی اقتصادی، اجتماعی، تحولات فضایی، بابل

### مقاله

شناخت تاریخی هر پدیده، سنگ‌زیربنای شناخت وضع موجود است و درک درست از شرایط موجود، تخمین دگرگونی‌های بعدی پدیده را ممکن می‌سازد. هرگاه گذشته (سیر تحول تاریخی) پدیده در وضع موجود آن «مستقر» باشد، آینده (دگرگونی‌ها و تحولات بعدی پدیده) در وضع موجود آن «مستتر» است. گذشته، موجود را تبیین می‌کند و موجود، آینده را تخمین می‌زند. ساخت کالبدی شهر نیز بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی حاکم بر جامعه در فضا است که در یک مقطع زمانی - مکانی خاص رخ داده و در بستر زمان تحول یافته است. برای شناسایی تحولات فضایی یک شهر، علاوه بر تجزیه و تحلیل واقعیت‌هایی که به عنوان بررسی «وضع موجود» نام برده می‌شود، آگاهی از ساختار تاریخی و عوارض مؤثر بر روند سکونتی آن نیز لازم می‌آید؛ اطلاع از سرگذشتی که نتیجه آن در سیمای محیطی و روال زندگی اجتماعی و معیشتی مراکز زیستی مشاهده می‌گردد و محیط کالبدی را نیز رقم می‌زند.

Archive of SID

بررسی فرایند تحولات فضایی بابل نشان می‌دهد که در سال‌های قبل از ۱۳۰۰ ه.ش، محلات مختلف شهر بر اساس ویژگی‌های قومی، صنفی و مذهبی شکل گرفته و از رشد آرام و ارگانیک برخوردار بود. علیرغم توسعه ارگانیک شهر و هماهنگی میان محلات طی سال‌های گذشته، اجرای سیاست‌های عمرانی و بدون اندیشه و انطباق با واقعیات موجود، در دهه‌های اخیر باعث رشد کالبدی و افزایش جدایی‌گزینی فضایی میان محلات شهری گردیده است. نکته‌حائز اهمیت آن است که در راستای افزایش جمعیت، بیش از پیش بر جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی شهر افزوده می‌شود. با توجه به این که برنامه‌های عمرانی از عوامل موثر شکل دهنده فضا هستند؛ از اینرو با درک صحیح برنامه‌های اجرا شده می‌توان نسبت به چگونگی تأثیر آن برنامه‌ها بر تحولات فضایی شهر آگاهی یافت. براین اساس هدف از تحقیق عبارت است از: شناسایی عوامل موثر بر تحولات فضایی شهر بابل و فرآیند رشد کالبدی آن.

بر مبنای هدف فوق، مسئله آن است که برنامه‌های کلان عمرانی و شهری دولت چه تأثیری بر تغییرات کالبدی و فضایی شهر بابل داشته‌اند. در این رابطه سعی شده تا پس از طرح چارچوب نظری، فرضیه تحقیق مطرح شود. سپس روند توسعه کالبدی و فضایی شهر بابل با تکیه بر اثر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و عمرانی کشور در سال‌های ۷۵-۱۳۳۵ مورد بررسی قرار گیرد.

#### چارچوب نظری

روند شهرنشینی و شهرسازی از گذشته‌های دور تاکنون با فراز و نشیب‌های بسیاری روبرو بوده است. روند شهرنشینی در هیچ جایی نمی‌تواند مستقل از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بررسی شود. به عبارت دیگر، همواره روند شهرنشینی تابع تحولاتی است که تحت تاثیر شرایط سیاسی و اقتصادی اتفاق می‌افتد. این تغییر و تحول از یک سو متأثر از عوامل و شرایط گوناگون زمانی و مکانی بوده و از سوی دیگر باعث ایجاد دگرگونی‌هایی در شکل و شیوه شهرنشینی و شهرسازی شده است (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸).

با نگاهی به روند شهرنشینی و شهرسازی در ایران می‌توان دریافت که شهرهای ایران با ویژگی‌های تکامل یافته طی قرن‌های متمادی، در عرض چند دهه دچار تحولی عظیم شدند. شهرها آنچه از فضا و عناصر معماری به عنوان خصوصیات کالبدی در خود داشتند، طبق نیازهای روزمره ساکنین و در جواب به رشد و دگرگونی جامعه شهری طی زمان شکل گرفته و تکامل یافته بود، لیکن اقدامات و برنامه‌های شهرسازی که از چند دهه قبل آغاز شد، اغلب موجبات نابودی ارزشهای سنتی شهری را فراهم آورد، به طوری که در شکل کالبدی و اجتماعی محلات شهرها تغییراتی حاصل گردید (مشهدی زاده، ۱۳۷۴، ص ۴۷). آغاز این دوره از سال ۱۳۰۰ ه.ش بود و از آن هنگام شهرنشینی در ایران به پیروی از شرایط جدید و با تأثیر پذیرفتن از روابط تازه، دگرگون شد و مسیر دیگری را در پیش گرفت. روند شهرنشینی و شهرسازی کشور در دوره جدید نه تدریجی و با تبعیت از الگوها و ویژگی‌های سرزمینی ایران تکامل یافت و نه با زمینه‌سازی‌های مناسب و قبلی پذیرای الگوهای پیشین گردید.

از ویژگی برنامه‌ریزی‌های شهری جدید، عدم استراتژی مشخص در مقوله شهرسازی از سطح ملی تا سطح محلی، عدم تعادل در پراکنش مزایا، منابع و فعالیت‌ها، عدم توزیع عادلانه سرمایه‌گذاری‌های دولتی، تمایل وزارت مسکن و شهرسازی به تصدی‌گری زمین و ساخت و ساز و فعالیت‌های زود بازده عمرانی و فقدان تفکر جامع، سبب نارسایی و عدم انطباق طرح‌های توسعه و عمران شهری با نیازهای واقعی و تسهیلات ناکافی در زمینه خدمات و اشتغال جامعه گردیده است. همچنین اختلاف و نابرابری بین مناطق و مهاجرت جمعیت به مناطق شده که که شغل و درآمد بیشتری در آنها متمرکز است. تغییر مکرر متصدیان مسئولیت‌های مرتبط با مدیریت شهری و در نتیجه ضعف کارآیی آنها، همچنین تعدد مراجع تصمیم‌گیری در امور مدیریت شهری و فقدان رابطه تعامل میان ارگان‌های دست‌اندرکار مدیریت و توسعه شهری مانند شهرداری‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های آب و برق، مخبرات، گاز، مسکن و شهرسازی، دفاتر استانداری، فرمانداری‌ها، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و نظایر اینها نیز موجب رشد لجام گسیخته شهری و دامن زدن به ساخت و سازهای غیر مجاز می‌گردد (نوازی، ۱۳۸۱، ص ۱۲). رشد سریع جمعیت با توجه به عدم توانایی مجموعه مدیریت شهری در هدایت نظام‌مند و اسکان مناسب و حل اشتغال آنان منجر به برونزد زائده‌های فیزیکی در پیکره شهرها و گسترش پدیده حاشیه‌نشینی و افزایش بحران‌های اجتماعی می‌گردد (مقدس خراسانی، ۱۳۷۱، ص ۶۸).

در سال‌های اخیر تغییرات کالبدی و تحولات فضایی شهرها آن چنان سریع و شتاب‌آلود عمل کرد که پس از اندک مدتی، اکنون شهرهای کشور نه تنها توانایی حفظ ویژگی‌های سنتی و اصیل خود را ندارند؛ بلکه اصول تازه و علمی نیز بر کالبد آنها و رشد و توسعه آینده‌شان حکمفرما نمی‌باشد. فعالیت‌های شهرسازی که پیام‌آور موج جدید شهرنشینی است و برنامه‌ریزی شهری نشأت گرفته از غرب به دوگانگی شدید زیستی - کالبدی شهرها منجر می‌شود. رشد شتابان شهرنشینی کشور طی چند دهه اخیر به گونه‌ای صورت پذیرفته که متناسب با توان تجهیز فضاهای شهری و گسترش زیر ساخت‌ها نمی‌باشد.

عوامل فوق زمینه‌های اساسی شکل دهی فضاهای شهری هستند. شهر بابل نیز مانند بسیاری از شهرهای کشور از دوگانگی زیستی و فضایی رنج می‌برد. در دهه‌های اخیر بابل شاهد تحولات فضایی بسیاری بوده است. از یک سو برنامه‌های عمرانی بدون اندیشه و انطباق با واقعیات موجود شهر باعث رشد کالبدی شهر و افزایش جدایی‌گزینی فضایی میان محلات گردیده، به طوری که از سال ۱۳۳۵ تاکنون ضمن توسعه کالبدی، تفاوت محلات از نظر فقر و غنا چهره آشکارتری به خود گرفته است. بنابراین شناسایی سیر تحول کالبدی و فضایی شهر و عوامل موثر بر آن در دهه‌های اخیر، علل جدایی‌گزینی محلات شهری را روشن می‌سازد.

### فرضیه و روش تحقیق

بر اساس نظریه‌های غالب جغرافیای شهری چارچوب نظری که نگارنده در تحقیق بکار گرفته است بر فرضیه زیر استوار است:

- برنامه‌های عمرانی دولت قبل و بعد از انقلاب اسلامی مهم‌ترین عامل رشد کالبدی و جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی شهر بابل است.

در این تحقیق نگارنده برای دستیابی به پاسخ مسئله و همچنین اثبات فرضیه مطرح شده، از روش تحقیق اسنادی استفاده کرده است. این تحقیق در نوع خود یک پژوهش میدانی و تحقیق نظری و تبیینی است. در این رابطه سعی گردید تا منابع موجود مورد استفاده قرار گیرد. بررسی‌ها و مطالعات میدانی نیز بخش دیگری از کار را تشکیل داده‌اند. برای بررسی قدمت بناهای مسکونی شهر و روند توسعه کالبدی و فضایی آن، جدول واحدهای مسکونی معمولی بر حسب سال اتمام بنا به تفکیک ۷۶ حوزه آماری مربوط به نتایج تفصیلی سرشماری سال ۱۳۷۵ شهر بابل مورد استفاده قرار گرفت و از آن چهار نقشه که قدمت بناهای مسکونی شهر را نمایش می‌دهند، تهیه شد. علاوه بر این جهت مطالعه دقیق‌تر شهر، به محلات قدیمی و جدید شهر مراجعه گردید، با برخی از شهروندان مصاحبه شد و تغییرات و تفاوت‌های موجود آنها مورد مشاهده و بررسی قرار گرفت.

### روند شکل‌گیری و مراحل گسترش شهر

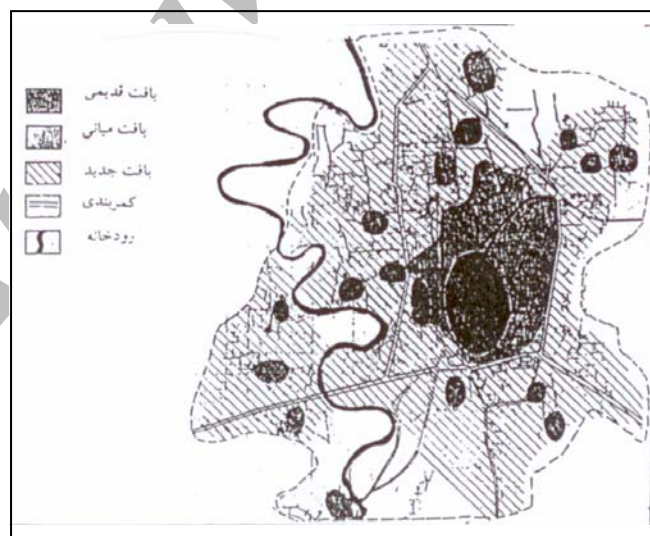
بنای هسته اولیه شهر بابل را به ۴۰۳ هـ.ق (۱۱۱۲ م) نسبت می‌دهند (گلزاری، ۱۳۶۴، ص ۱۰۲). در آن زمان نام بابل «مامطیر» بود. در زمان سید ظهیرالدین مرعشی (۸۸۲ هـ.ق). نام مامطیر به بارفروش ده تغییر می‌یابد (ستوده، ۱۳۶۶، ص ۱۷۶). در زمان حکومت صفویه اوضاع صنعتی، تجاری و کشاورزی کشور رو به بهبود رفته، فرمانروایان سلسله صفوی توانستند با ایجاد وحدت سیاسی و اداری کشور به عنوان یک عامل مهم، زمینه گسترش بازرگانی و کشاورزی را فراهم نمایند. سیاست اقتصادی شاه عباس صفوی مبتنی بر گسترش و رونق شهرهای کشور بود. در زمان وی شهرهایی چون اصفهان، تبریز، اردبیل، کاشان و بارفروش (بابل) توسعه یافتند (مشهدزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۷). در زمان شاه عباس این قریه به شهری با خیابان‌های سنگفرش و وسیع و با فواره‌ها و بازار بزرگ و دریاچه‌ای در جنوب شهر (بحارم) تحوّل می‌یابد. بار فروش در زمان حکومت زندیه از سال ۱۱۳۲ تا ۱۱۵۱ هـ.ش. به مرکزیت ایالت انتخاب گردید (طرح و ابداع، ۱۳۶۶، ص ۸۸) و در سال ۱۳۰۶ هـ.ش. رضاخان نام بارفروش را به بابل تغییر داد. بنای هسته اولیه شهر مربوط به قرن پنجم هجری است. طی سه دوره تاریخی (قبل از سال‌های ۱۳۰۰، سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۰۰، سال‌های ۱۳۴۰ تا کنون) به دور هسته اولیه شهر ساخت و ساز مسکونی انجام گرفته و تکامل یافته است.

### ۱- بافت قدیمی، سالهای قبل از ۱۳۰۰ هـ.ش.

بافتی که به دور هسته اولیه یا بافت تاریخی شهر تنیده شده مربوط به سال‌های پیش از ۱۳۰۰ هـ.ش. است. مهم‌ترین مرحله زمانی شکل‌گیری این بافت به اواخر عهد دوره قاجار می‌رسد. بخش مرکزی شهر به طور طبیعی در طول خطی که حداقل مانع را دارد، توسعه و گسترش یافته است (شکویی، ۱۳۶۵، ص ۲۱). رودخانه و زمین‌های هموار پیرامون، تأثیر مهمی بر شکل شهر داشته است. رود بابل با توجه به محدودیت‌های فنی و عدم سهولت رفت و آمد، در آن دوره قابل عبور نبوده و لذا شهر در یک طرف رود واقع شده و در جهت امتداد رود گسترش یافته است. اراضی بین پیچ و خم‌های متعدّد رود به دلیل کوچکی و در معرض سیلاب بودن رها شده و در نتیجه مطابق نقشه شماره (۱) رود از شهر بابل فاصله دارد. گونه شناسی بافت قدیمی شهر نشان‌دهنده نظام اجتماعی خاص آن زمان است. این بافت

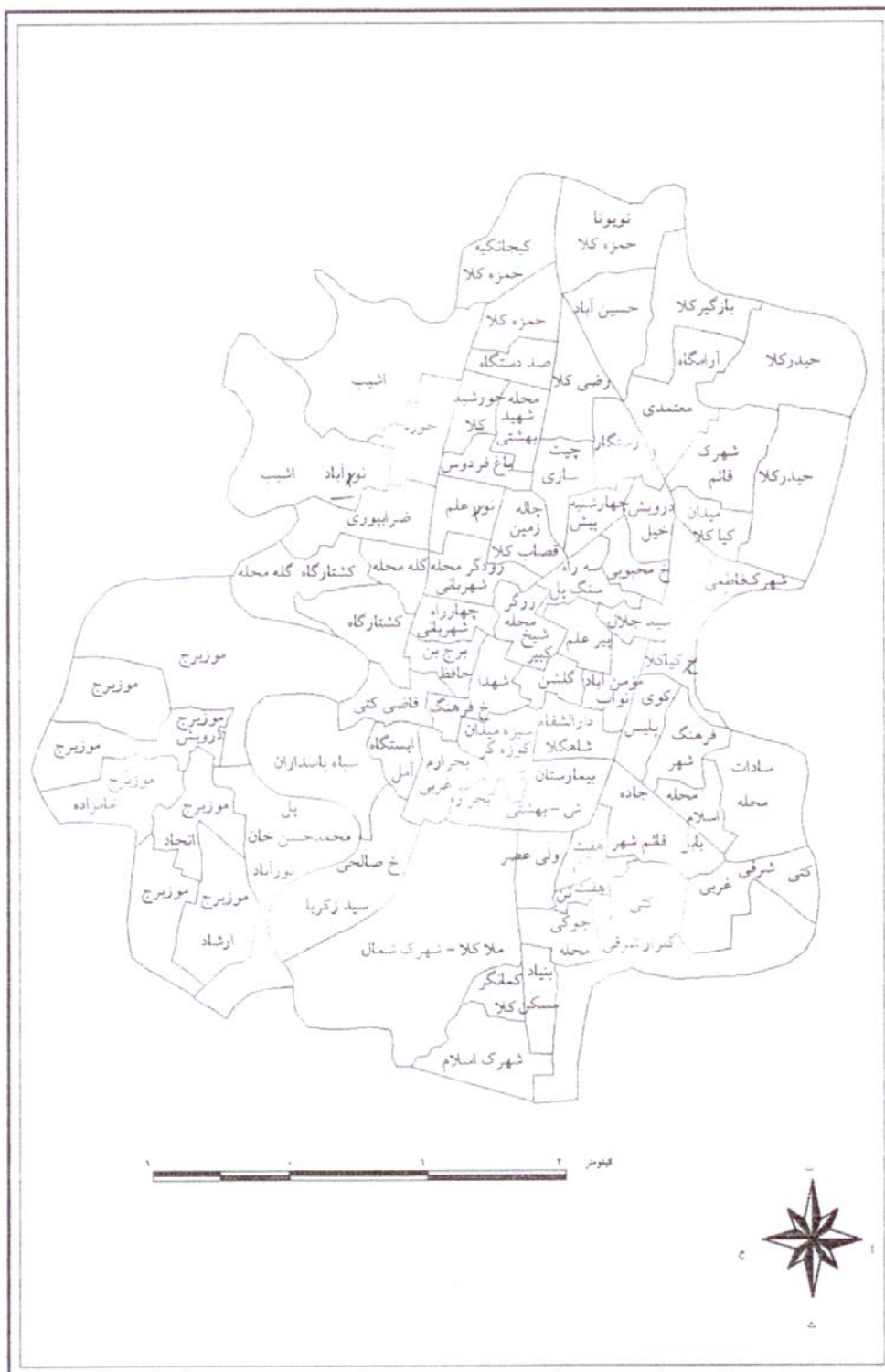
از اوضاع طبیعی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی تأثیر پذیرفته و خود را با شرایط زمانی و مکانی وفق داده است. قدیمی‌ترین محلات شهر از جمله بی‌سرتکیه، پیر علم، طوقداربن، پنج‌شنبه بازار، محله مسجد جامع، اجابن، افراداربن، عمدتاً بر مبنای ویژگی‌های صنفی و مذهبی شکل گرفته‌اند (نقشه شماره ۲). هر محله دارای حسیته و تکیه مخصوص به خود بوده و این امر تا به امروز نیز در ایام محرم استقلال محله‌ای خود را نشان می‌دهد. در مرکزیت چند محله قدیمی، بازار و مسجد جامع شهر احداث گردیده است. غیر از محلات و تکایا از جمله بناهای این دوره بحرارم در جنوب شهر می‌باشد که در عهد صفوی به صورت دریاچه بوده و امروزه تقریباً حالت مرداب دارد (دیزک چال) و بازار هفتگی در آن تشکیل شده و محل زندگی بخشی از مردم کم‌درآمد و متوسط شهر است. ساختار درونی شهر بابل در این مقطع تاریخی (قبل از ۱۳۰۰ ه.ش.) مانند اکثر شهرهای ایران به صورت بافت متمرکز بر اساس همگنی فرهنگی - اجتماعی هر یک از محلات شهری است، به طوری که هر محله معمولاً از گروه‌های هم پایگاه شغلی، فرهنگی و مذهبی تشکیل شده است (ویلر، ۱۹۷۵، ص ۵۹). چنان که در نقشه شماره (۳) که با استفاده از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن و بر اساس پراکندگی بناهای مسکونی احداث شده مربوط به قبل از سال ۱۳۴۵ تهیه شده است مشاهده می‌شود، بافت قدیمی بابل در داخلی‌ترین بخش شهر قرار گرفته و به تدریج از دهه ۱۳۰۰ ه.ش. به دور آن ساخت و سازهای مسکونی و اداری صورت می‌گیرد. نقاط پراکنده‌ای نیز در اطراف بافت قدیمی و میانی مشاهده می‌شود که غالباً روستاها و محلاتی هستند که با توسعه فیزیکی شهر، در درون محدوده شهری قرار گرفته‌اند.

نقشه ۱- مراحل توسعه تاریخی شهر بابل



نقشه ۲- پراکندگی محله‌های شهر بابل در سال ۱۳۷۵

Archive of SID



۲- بافت میانی ۱۳۴۰-۱۳۰۰

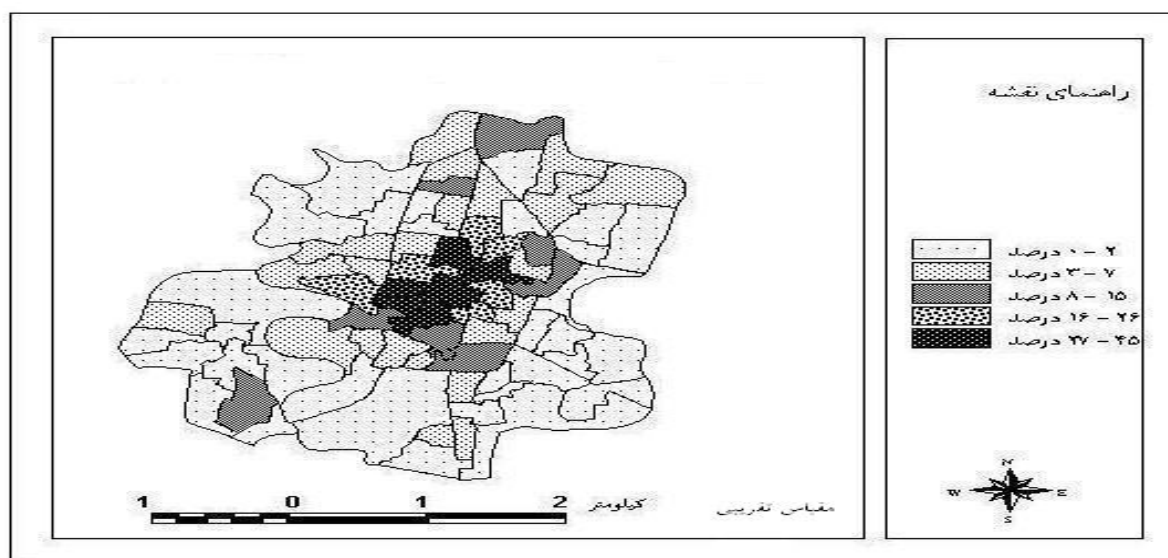
مرحله زمانی تشکیل این بافت مقارن با آغاز حکومت رضاخان از سال‌های ۱۳۰۰ تا آغاز اصلاحات ارضی، دهه

۱۳۴۰ (اواسط حکومت محمد رضا پهلوی) است. با روی کار آمدن رضاخان، شهرنشینی در ایران وارد مرحله



جدیدی گردید. خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری کشور شاهد تحولات بسیاری بود. اقدامات عمرانی بسیاری در شهرها به تبعیت از الگوهای شهرنشینی و شهرسازی غربی صورت گرفت. ساخت اداری و سیاسی کشور به شکل تغییراتی در مقامات و مناصب کشوری، تقسیمات اداری جدید و پیدایش و تشکیل سازمان‌هایی به شیوه غربی دگرگونی پذیرفت. سیاست‌های استعمار نو که مبتنی بر سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان سوم مانند ایران بود، موجب رواج و توسعه الگوی سرمایه‌داری، خروج مواد اولیه و ایجاد بازار مصرفی گردید. روند مدرنیزاسیون به طور رسمی از سال ۱۳۰۵ ه.ش. مقارن با قدرت رضا شاه آغاز شد. در این دوره اولین آثار تسلط دیدگاه‌های سیاسی متمرکز از سوی تهران بر شهرها قابل مشاهده است. همراه با گسترش روابط سیاسی ایران با کشورهای اروپایی و تحت تأثیر نوسازی، اولین بناهای دولتی مانند ادارات پست، شهربانی، شهرداری، دادگستری، بانک سپه، بانک کشاورزی، آموزش و پرورش، شیر و خورشید و بیمارستان در مجاورت بافت قدیمی شهر احداث گردیدند (خلیلی عراقی، ۱۳۶۶، ص ۸). تصویب قانون بلدیّه (شهرداری) در سال ۱۳۰۹ و قانون توسعه معابر در ایران که هدف از آن احداث خیابان‌ها و میادین در قلب شهرها و محله‌های قدیمی و تخریب محله‌های غیر قابل اصلاح بود، انسجام کالبدی-اجتماعی محلات بابل را بر هم زد (مشهدی‌زاده ۱۳۷۴، ص ۴۷). به تدریج با ورود اتومبیل، بخشی از بافت قدیمی که مناسب عبور و مرور وسایط نقلیه جدید نبود تخریب گردید. در این دوره بخشی از بافت قدیم برای احداث میادین و تعریض خیابانها به شکل چلیپایی (+) از بین می‌رود، لیکن تغییرات کالبدی شهرها در این دوره آرام بنظر می‌رسد. همان‌طور که در نقشه شماره (۳) تهیه شده با استفاده از سرشماری نفوس و مسکن و براساس پراکندگی بناهای مسکونی احداث شده مربوط به قبل از سال ۱۳۴۵ مشاهده می‌شود، بیشترین درصد بناهای مسکونی با قدمت بیش از سی سال در بافت قدیمی قرار دارد. با حرکت از مرکز به سوی پیرامون شهر، از پیشینه بناهای احداث شده قبل از سال ۱۳۴۵ کاسته می‌شود. در این دوره با اقدامات اساسی رضاخان در زمینه گسترش راه‌ها و جاده‌های بین شهری بابل در چند جهت و غیر خطی گسترش می‌یابد. در گذشته توسعه کالبدی شهر عموماً در امتداد رود بابل و به صورت خطی بوده، لیکن در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۰۰ توسعه شهر در جهت جنوبشرقی (جاده قائم شهر به ساری) و در جهت جنوبغربی (جاده آمل به تهران) رخ داده است.

## نقشه ۳- پراکندگی مساکن احداث شده قبل از سال ۱۳۴۵ در بابل



ماخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج تفصیلی شهر بابل، تهیه شده بر اساس جدول قدمت بناهای مسکونی بر حسب سال اتمام بنا

## ۳- بافت جدید، رشد شتابان شهری ۲۵-۱۳۴۰

این سیر تاریخی را می‌توان به دو دوره طبقه‌بندی کرد:

الف- اصلاحات ارضی تا آغاز انقلاب اسلامی؛

ب- فرآیند گسترش شهر پس از انقلاب اسلامی.

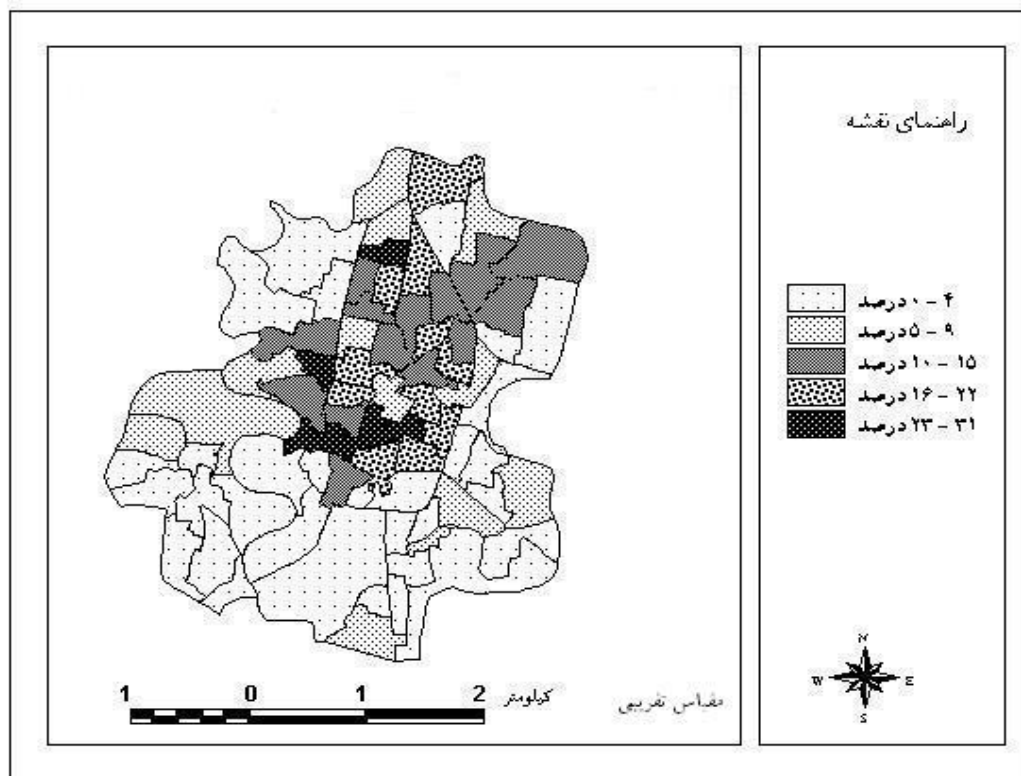
## الف- اصلاحات ارضی تا آغاز انقلاب اسلامی ۱۳۵۷-۱۳۴۰

این دوره با تشدید تغییرات و تحولات اقتصادی - اجتماعی کشور همراه است. در این مرحله تاریخی با تقسیم کار جدید جهانی و تبدیل شدن ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان، به صادرکنندگان مواد اولیه و سازندگان صنایع سبک و مونتاژ و به دلیل نیاز به انتقال نیروی کار و سرمایه از مناطق کشاورزی به حوزه‌های تازه صنعتی و شهری، اصلاحات ارضی انجام شد. اصلاحات ارضی که طی برنامه عمرانی سوم کشور (۴۶-۱۳۴۱) انجام شد نظام سنتی کشاورزی را از هم پاشید، لیکن به دلیل فقدان اهداف مشخص در عمران روستایی و کمبود سرمایه‌گذاری نتوانست به تثبیت روستائیان در روستا و بهبود وضع آنها کمک کند (قدیری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳). قبل از اصلاحات ارضی، ارباب غیر از زمین سایر نهادهای کشاورزی را نیز در اختیار زارع قرار می‌داد و با اعمال مدیریت متمرکز، همکاری و فعالیت دسته‌جمعی کشاورزان را تسهیل می‌کرد. به تدریج با از هم پاشیده شدن ساختار سنتی کشاورزی، مدیریت واحد بر روند کشت رو به زوال نهاد. در این زمان کشاورزان صاحب زمین غالباً به طور پراکنده به کشت و

کار می‌پرداختند و از همکاری یکدیگر بی‌بهره بودند. از این رو بسیاری از فعالیت‌هایی که نیاز به همکاری گروهی کشاورزان داشت، مسکوت باقی ماند. برای مثال: لایروبی نهرهای کشاورزی که پیش از این با مدیریت ارباب و یا نمایندگان او و فعالیت جمعی زارعان انجام می‌شد، در بسیاری موارد به حال خود رها گردید. کمبود آب بر میزان محصولات تأثیر سوء نهاد. سیاست‌گذاری‌های ناقص دولت در زمینه تقسیم زمین و عدم حمایت همه‌جانبه از روستاییانی که به تازگی مالک زمین شده بودند، مهم‌ترین عوامل جداسدن روستائیان بی‌زمین از آبادی‌ها و مهاجرت آنان بود. تنها اصلاحات ارضی نبود که باعث مهاجرت گسترده روستائیان شد، اشاعه بهداشت و مبارزه با بیماری‌هایی مانند مالاریا که در راستای برنامه‌های عمرانی دولت صورت گرفته بود، موجب افزایش طبیعی جمعیت مناطق روستایی گردید. افزایش نیروی انسانی نسبت به امکانات اشتغال در روستاها موجب تسریع روند مهاجرت روستائیان به شهرها شد. سیاست‌های عمرانی دولت که از این پس سهم بیشتری از بودجه کشور را به بخش‌های صنعت و خدمات به ویژه ساختمان تخصیص می‌داد، سبب در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی می‌شد. به تدریج با افزایش بهای نفت در دهه ۱۳۵۰، دولت که از این پس وابستگی به درآمدهای کشاورزی نداشت، تنها منبع درآمد خود را در نفت می‌دید. نفت مهم‌ترین عامل درآمد دولت، او را به یک دولت روزی بخش تبدیل می‌کند (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸). دولت با تکیه بر درآمد نفت و اهمیت روزافزون به بخش صنعت و خدمات، توجه اساسی خود را بر شهرها متمرکز می‌سازد. در برنامه‌های عمرانی سوّم (۴۶-۱۳۴۲)، چهارم (۵۱-۱۳۴۷) و پنجم کشور (۵۶-۱۳۵۲) علیرغم گشایش ۶/۵ میلیارد ریال اعتبار برای عمران و نوسازی روستاها عملاً سهم بخش کشاورزی در بودجه عمرانی کاسته شده و در مقابل سهم بخش خدمات، ساختمان و صنعت افزایش یافت (مهرگان، ۱۳۷۱، ص ۸۹). به این ترتیب روابط ارگانیک بخش‌های اقتصادی بر هم ریخت و موجب مهاجرت بیش از پیش روستائیان به شهرها و رشد کالبدی و فضایی آنها گردید.

مقارن با این سال‌ها در بابل اقدامات عمرانی و زیربنایی برای احداث معابر، آب و برق، گسترش مراکز آموزشی متوسطه و دانشگاهی و مراکز درمانی صورت می‌گیرد و بافت‌ها و محله‌های جدیدی در اطراف محلات قدیمی‌تر شهر احداث می‌شود. نقشه بناهای مسکونی احداث شده در سال‌های ۵۴-۱۳۴۵ (نقشه شماره ۴) نشان می‌دهد که شهر همچنان در مجاورت بخش مرکزی توسعه می‌یابد. از یک سو در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی و از سوی دیگر اقدامات نوسازی و بهسازی در شهرها از طریق گسترش صنایع و خدمات، موجب تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها می‌گردد. جدول شماره (۱) میزان جمعیت بابل و نرخ رشد سالانه آن را در پنج دوره سرشماری نشان می‌دهد.

نقشه ۴- پراکنندگی مسکن احداث شده در سال‌های ۵۴-۱۳۴۵ در شهر بابل



ماخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج تفصیلی شهر بابل، تهیه شده بر اساس جدول قدمت بناهای مسکونی بر حسب سال اتمام بنا.

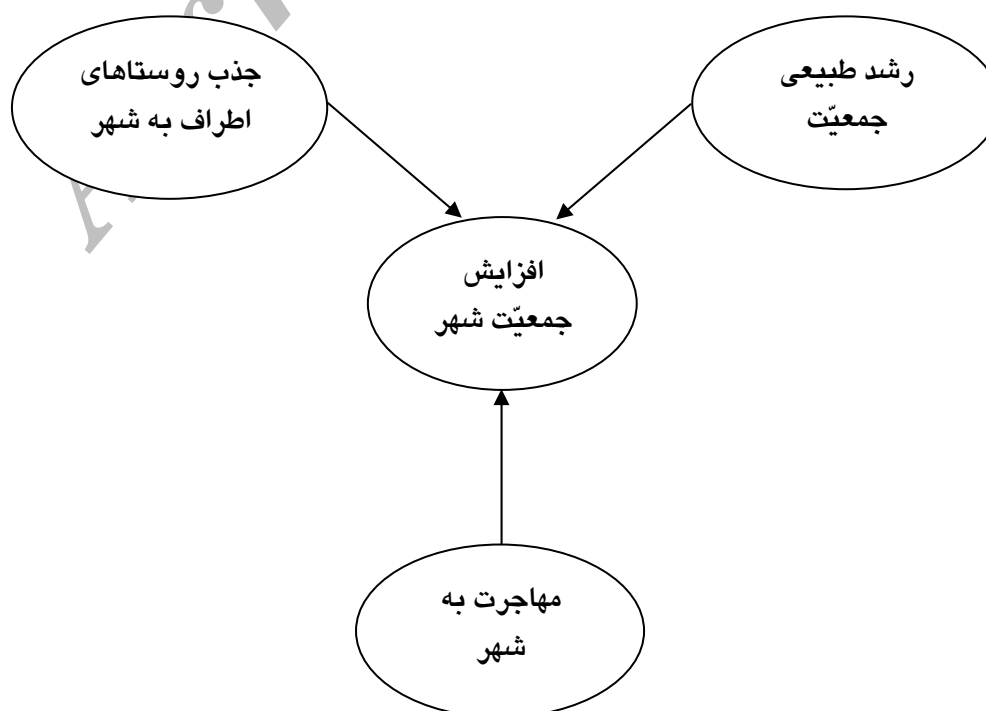
جدول ۱- روند افزایش و رشد سالانه جمعیت شهر بابل

سال	تعداد مرد	تعداد زن	تعداد کل	رشد سالانه
۱۳۳۵	۱۷۹۴۰	۱۸۲۵۴	۳۶۱۹۴	—
۱۳۴۵	۲۵۴۴۸	۲۴۵۲۵	۴۹۹۷۳	۳/۲
۱۳۵۵	۳۵۳۳۸	۳۲۷۲۱	۶۸۰۵۹	۳/۴
۱۳۶۵	۵۷۹۳۲	۵۴۳۸۸	۱۱۵۳۲۰	۵/۴۱
۱۳۷۵	۷۹۷۰۳	۷۸۶۴۳	۱۵۸۳۴۶	۳/۷

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان بابل ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

در سال ۱۳۳۵ جمعیت کل شهر بابل ۳۶۱۹۴ نفر بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵) و در سال ۱۳۴۵ به ۴۹۹۷۳ نفر افزایش یافت که رشدی معادل با ۳/۲۸ درصد را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۴۵). با اجرای مراحل چندگانه اصلاحات اراضی در دهه‌های چهل و نیمه اول دهه پنجاه که سبب از بین رفتن نظام زراعی سنتی گردید، میزان رشد سالانه جمعیت شهر افزایش یافت و به ۳/۴ درصد رسید؛ چنانچه در سال ۱۳۵۵ جمعیت شهر بابل به ۶۸۰۵۹ نفر بالغ گردید. (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵). به تدریج با کاهش سرمایه‌گذاری کشاورزی نسبت به بخش صنعت و خدمات طی برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم و اتخاذ شیوه سرمایه‌بر در کشاورزی (همايون کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۸۰) با هدف آزادسازی نیروهای انسانی و گسترش مراکز اداری و خدماتی از یک سو و وقوع انقلاب اسلامی از سوی دیگر، مهاجرت روستائیان به شهر تشدید شد و نرخ رشد سالانه جمعیت به ۵/۴۱ درصد افزایش یافت و جمعیت شهری به ۱۱۵۳۲۰ نفر بالغ گردید (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵). در خصوص وضع مهاجرت بابل می‌توان اظهار داشت که جمعیت‌پذیری آن در دوره ۵۵-۱۳۴۵ به ۴۰۹ نفر و در دهه ۶۵-۱۳۵۵ به ۲۴۴۳ نفر رسید که در نتیجه ۲۱ درصد از جمعیت شهر بابل در سال ۱۳۶۵ از مهاجرین بودند (مهندسین مشاور طرح و ابداع، ۱۳۶۶، ص ۵۷). بنابراین بیشترین رشد جمعیت در فاصله سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ مقارن با انقلاب رخ داده است. افزایش جمعیت در پنج دوره سرشماری، ناشی از یک عامل رشد طبیعی جمعیت یعنی اختلاف بین مقدار زاد و ولد و مرگ و میر و دو عامل مهاجرت از مناطق روستایی به شهر و جذب نقاط روستایی به شهر بوده است. تأثیری که عوامل ذکر شده می‌توانند بر یکدیگر داشته باشند بسیار مهم است. افزایش مهاجرت و استقرار اغلب آنها در اطراف شهر منجر به توسعه سریع محدوده فیزیکی شهرها گشته و همزمان روستاهای زیادی نیز به محدوده شهر پیوسته و جزء جمعیت آن به محسوب شده‌اند. لذا این افراد در افزایش غیر مستقیم جمعیت شهر و رشد سریع آن مؤثر بوده‌اند.

#### نمودار ۱- عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی در افزایش جمعیت شهر بابل



بررسی وضعیت اشتغال جمعیت قعال بابل نیز حاکی از آن است که در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ از درصد جمعیت شاغل در بخش کشاورزی کاسته شده است (جدول شماره ۲)، به طوری که از ۱۱٪ در سال ۱۳۳۵ به ۷٪ در سال ۱۳۷۵ کاهش نشان می‌دهد، کمترین میزان شاغلان مربوط به سال ۱۳۵۵ می‌باشد.

جدول ۲- درصد جمعیت شاغل ده سال و بالاتر بابل برحسب سه بخش عمده فعالیت

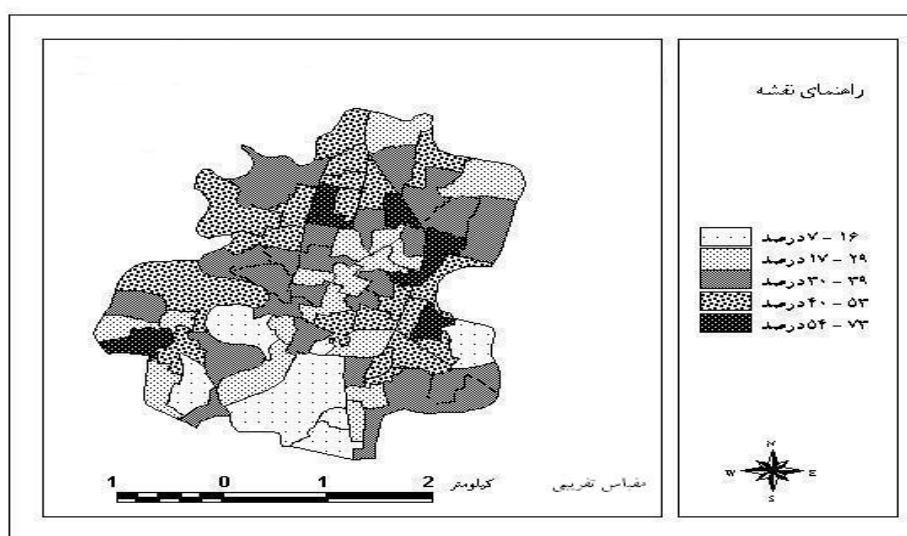
شهر بابل	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۳۵	۱۱	۲۸	۶۱
۱۳۴۵	۹	۳۱	۶۰
۱۳۵۵	۲	۲۶	۷۲
۱۳۶۵	۶	۱۱	۸۳
۱۳۷۵	۷	۲۳	۷۰

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی شهرستان بابل ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

در این سال تنها ۲٪ از شاغلان شهر بابل در بخش کشاورزی به فعالیت می‌پرداختند. همچنین از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ درصد شاغلان در بخش صنعت افزوده شده و در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است. بالعکس درصد جمعیت شاغل در بخش خدمات افزایش قابل ملاحظه‌ای دارد. از نظر درصد اشتغال خدمات بابل یکی از شهرهای درجه یک استان مازندران است. در سال ۱۳۵۵ در این شهر ۷۲٪ از شاغلین در بخش خدمات شاغل بوده‌اند. رقم مذکور در سال ۱۳۶۵ به ۸۳٪ افزایش می‌یابد. بنابراین علیرغم قابل توجه بودن سهم اشتغال در بخش صنعت نقش اقتصادی این شهر را باید عمدتاً از دیدگاه "ارائه خدمات" مورد توجه قرار داد. رشد اصلی بخش خدمات مربوط به افزایش اشتغال در خدمات اجتماعی و آموزش و پرورش بوده، به طوری که ۳۸/۴٪ از کل اشتغال را در سال ۱۳۵۵ به خود اختصاص داده است. بررسی ساخت خدمات شهری بابل نشان می‌دهد که رشته‌های اصلی خدماتی در وهله اول شامل بخش آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، امور انتظامی و پس از آن خدمات تجاری و بالاحص خرده فروشی بوده است. همه این فرایندها نشانه تمایل سیاست‌های اقتصادی دولت از بخش کشاورزی و صنعت به بخش خدمات است. در این دوره واگذاری زمین و احداث شهرک‌های مسکونی برای کارمندان دولتی از جمله آموزش و پرورش، دادگستری، بیمارستان، دانشگاه و سایر مراکز اداری موجب توسعه کالبدی در بخش شمالی و غربی شهر می‌شود (نقشه شماره ۵). رشد ساخت و سازهای مسکونی توسط بخش خصوصی به گسترش کالبدی شهر دامن می‌زند. ساخت و ساز بخش خصوصی در جهت غربی در شهرک تنددست، مهدی‌آباد و اشیب از یادگارهای این دوره هستند. در این مرحله نقش عوامل طبیعی و مذهبی برای شکل‌گیری محلات به تدریج ضعیف شده و ضابطه اقتصادی جایگزین آن می‌گردد (رهنمایی، ۱۳۷۱، ص ۳۷). به این ترتیب جدایی‌گزینی‌های اقتصادی - اجتماعی در شهر تبلور می‌یابد.

با توجه به مسائل عنوان شده، دولت برای سرو سامان دادن به رشد و توسعه فضایی درون شهر و جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهر به سوی زمین‌های اطراف (مونک و همکاران، ۱۹۹۶، ص ۵۰۹) اقدام به تهیه طرح جامع می‌کند. لیکن فقدان اطلاعات مورد نیاز یا به روز نبودن آن، شیوه جمع‌آوری اطلاعات و مشکل سطح پوشش اطلاعات و از همه مهم‌تر تناقض اطلاعات جمع‌آوری شده توسط دستگاه‌های مختلف، کاربرد بسیاری از روش‌های کمی و فنون برنامه‌ریزی منطقه‌ای را غیرممکن نموده و شناخت درست و به هنگام از مناطق برنامه‌ریزی را بسیار دشوار می‌سازد. جمع‌آوری اطلاعات به صورت موردی توسط چند دستگاه، تعاریف نادرست و سطح پوشش صرفاً اداری-سیاسی از مشکلاتی است که طرح‌های منطقه‌ای را به دشواری می‌اندازد. (شیخی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸). علاوه بر این، مشکل نحوه نگرش به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در قالب نگرش فیزیکی و کالبدی با هویتی عمدتاً اقتصادی و تمرکز بر معضلات اقتصادی و مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در شرایط ناشناخته بودن خط‌مشی‌های برنامه و حتی فقدان بستر تئوریک روشن و متعارض بودن رویکردهای آن، منجر به تقویت بی‌سازمانی اجتماعی و ناهماهنگی و نهایتاً عدم تعادل در نظام اجتماعی شهر می‌گردد (ایمان، ۱۳۷۸، ص ۲۱۷). در بابل نیز با پیاده شدن طرح جامع و تفصیلی و تعیین محدوده قانونی شهر، بهای زمین و مسکن افزایش فوق‌العاده می‌یابد. در طرح جامع بابل، محدوده شهر به وسیله احداث کمربندی تعیین می‌گردد، ولی متأسفانه به دلیل واقع‌بینانه تهیه نشدن طرح جامع و در نظر نگرفتن فرآیند رشد جمعیت قبل از اتمام پروژه کمربندی، ساخت و سازهای بی‌رویه این حلقه را نیز در می‌نوردد. در این دوره تاریخی شاهد ساخت و ساز بی‌رویه به ویژه در بخش غرب و جنوب‌شرقی شهر به صورت قطاعی در اطراف کمربندی و محورهای ارتباطی بابل به بابلسر (در جهت شمال)، بابل به آمل (در جهت غرب)، بابل به قائم‌شهر و ساری (در جهت جنوب‌شرقی) هستیم (نقشه شماره ۵).

نقشه ۵- پراکندگی مسکن احداث شده در سال‌های ۶۴-۱۳۵۵ در شهر بابل



ماخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج تفصیلی شهر بابل، تهیه شده بر اساس جدول قدمت بناهای مسکونی بر حسب سال اتمام بنا.

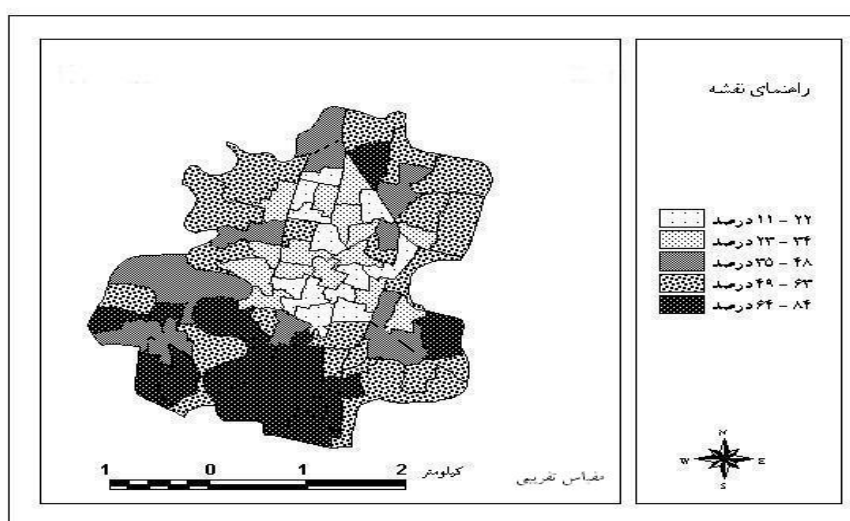
## ب- روند گسترش شهر پس از انقلاب اسلامی

سال‌های بعد از انقلاب اسلامی در ایران در حقیقت دوران تحوُّلی محسوب می‌شود که از یک سو وارث نتایج و آثار سیاست‌ها و اقدامات گذشته و از سوی دیگر مواجهه با مشکلات خاصّ خویش است. بدین ترتیب که ورشکستگی نظام بانکی به علت پرداخت بی‌رویه اعتبارات و خروج شدید سرمایه از کشور (رزّاقی، ۱۳۶۷، ص ۳۰). کاهش شدید درآمد حاصل از فروش نفت به دنبال تحریم اقتصادی، عدم سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و طرح‌های زیربنایی (عزیزی، ۱۹۹۵، ص ۵۰۹)، کاهش ورود موادّ اولیه، قطعات و ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع وابسته، تعطیلی کارخانجات، جنگ، سرازیر شدن دو میلیون مهاجر جنگی به شهرها، هجوم پناهندگان افغانی و رانده شدگان عراقی به ایران همه موجب افزایش جمعیت شهری کشور با آهنگی سریع‌تر از دوره‌های گذشته است. بعد از انقلاب اسلامی شش برنامه توسعه در کشور تهیه شد. سه برنامه به علت شرایط بحرانی بعد از انقلاب و جنگ به تصویب نرسید و در عمل به برنامه‌های مقطعی تبدیل شد (چمران، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴) اساس سیاست دولت در بخش کشاورزی در سالهای اولیه پس از انقلاب مبنی بر عدم مداخله مستقیم در تولید محصولات کشاورزی و در مقابل توجّه بیشتر به اعطای اعتبارات، بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخشهای اقتصادی به منظور نیل به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی (آسایش، ۱۳۷۴، ص ۵۲)، آمیختن کشاورزی سنتی به جای کشاورزی مدرن و سرمایه‌بر (شیرازی، ۱۹۹۳) و آمیختن شیوه‌های نوین و سنتی برای افزایش کارآیی (حقیقی، ۱۹۹۰)، از طریق تأمین نهاده‌های تولید، ارائه خدمات فنی و آموزش، تضمین قیمت‌های بالاتر برای خرید محصولات و وضع قوانین جدید در مورد واگذاری زمین و اجاره آن بود (رشیدی، ۱۳۷۱، ص ۷۹). علیرغم تمام مساعی دولت که صرف ارتقاء و بهبود شرایط زیست و درآمد روستاهای کشور شده است، کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در این سال‌ها به دلیل جنگ سبب مهاجرت نیروی انسانی از روستاها به شهرها گردید. (علیزاده و کازرونی، ۱۳۶۵، ص ۴۳). طیّ برنامه‌های اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، (۱۳۶۸-۱۳۷۲) علیرغم افزایش اعتبارات در فصل امور اجتماعی به عمران و نوسازی روستاها، شهرها همچنان نقش اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور دارند و بخش اعظم اعتبارات عمرانی را به خود اختصاص می‌دهند. در این برهه از زمان شهرها پذیرای توده‌های مهاجرینی شدند که می‌بایست تأمین‌کننده مسکن، اشتغال و خدمات مورد نیاز آنها باشند. به دلیل عدم هماهنگی میان شهرگرایی و شهرنشینی، ایجاد اختلاف در سطح درآمد و فرهنگ، شیب طبقاتی و اجتماعی در شهرها گسترش یافت. حاشیه‌نشینی به صورت هسته‌هایی متکی به فرهنگ و آداب و رسوم روستایی با اشغال نواحی ارزان و پست اطراف و بعضاً خالی در داخل شهرها شکل گرفت و به سرعت افزایش یافت. همچنان که در جدول شماره (۱) ملاحظه شد، میزان رشد سالانه جمعیت شهر بابل پس از انقلاب اسلامی به بالاترین میزان خود طیّ پنج دهه اخیر (۵/۴۱٪) بالغ گردید. از یک سو جذب روستاهای اطراف به شهر و از سوی دیگر به علت مهاجرت روستائیان به شهر و عدم نظارت سازمان‌های ذیربط بر ساختمان‌سازی‌های بی‌رویه، شهر در امتداد خیابان‌های اصلی به ویژه کمربندی و حول سه محور ارتباطی گسترش روزافزون می‌یابد. با توجّه به نقشه شماره (۶) ملاحظه می‌گردد که در دهه ۶۰ بیشترین ساخت و سازهای مسکونی بابل در بخش جنوبی آن رخ می‌دهد. مبدأ اصلی مهاجرت ساکنان این منطقه روستاهای جنوب بابل هستند که عناصر حاشیه‌نشین شهر را تشکیل داده‌اند. یکی دیگر از دلایل گسترش فضایی این منطقه اهدای زمین از سوی



دولت به نهادهای جدید بعد از انقلاب اسلامی است. شهرک امام رضا و شهرک انقلاب از یادگارهای این دوره محسوب می‌شوند. از دیگر مناطق مهاجرنشین، موزیرج جنوبی و محله اسلام در جنوبشرقی شهر است که آنها نیز عمدتاً از روستائیان جنوب شهر بابل هستند (نقشه شماره ۲ و ۶). طبق بررسی آمارهای مربوط به زمین های واگذار شده توسط سازمان زمین شهری طی سال های ۶۴-۱۳۶۳ مشخص گردید که در سال ۱۳۶۳ در بابل مجموعاً ۳۹۳ قطعه زمین واگذار گردید که میانگین آن ۳۲۴ متر مربع برای هر قطعه است. این در حالی است که در همان سال در کل استان مازندران ۱۲۷۲ قطعه زمین واگذار شده که میانگین آن ۳۱۰/۵ متر مربع است. بنابراین بیش از یک چهارم از زمین های واگذار شده در استان، توسط سازمان زمین شهری بابل بوده است (مهندسین مشاور طرح و ابداع، ۱۳۶۶، ص ۱۰۶). در سال ۱۳۶۴ نیز از سوی سازمان زمین شهری ۱۱۷ قطعه زمین با میانگین ۲۰۸/۶ متر مربع به کارکنان ادارات و سازمان ها واگذار گردید. ناگفته پیداست که اراضی واگذار شده نقش بسیار اساسی در توسعه کالبدی شهر بابل داشته است. مورد دیگر، پیوستن برخی از روستاها به شهر در پی توسعه فضایی بابل و گسترش محدوده قانونی آن است. روستاهای کمانگر کلا در جنوب، روستای حیدرکلا در شرق و روستای کتی در بخش جنوبشرقی شهر در امتداد جاده بابل به ساری از این نمونه هستند که بر ترکیب و بافت اجتماعی و فضایی شهر تأثیر نهاده‌اند. در پی اجرای طرح های جدید وزارت مسکن و شهرسازی برای گسترش ساخت و سازهای آپارتمانی و تهیه مسکن برای متقاضیان، شاهد شهرک سازی هایی در بخش شمالشرقی (شهرک افق، شهرک دانش)، در بخش غرب (شهرک فرهنگیان) هستیم. بنا به نظر شهروندان بابل، احداث این شهرک ها با توجه به گرانی آن سبب افزایش بهای زمین و مسکن در محلات جدید و در مجاورت شهرکها شده است. ضمن آن که بافت اجتماعی شهر نیز در این بخش ها در حال تحول می باشد. برای مثال، با احداث شهرک افق و دانش در سمت شمالشرقی شهر که تقریباً در مجاورت مناطق روستایی و محلات متوسط نشین قرار دارد، تغییر تدریجی بافت آن از منطقه ای روستایی نشین و متوسط به سوی منطقه ای درجه یک را سبب گردیده است.

نقشه ۶- پراکندگی مساکن احداث شده در سال های ۷۴-۱۳۶۵ در شهر بابل



ماخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) نتایج تفصیلی شهر بابل، تهیه شده بر اساس جدول قدمت بناهای مسکونی بر حسب سال اتمام بنا.

نمونه دیگر، احداث شهرک فرهنگیان در بخش غربی شهر در مجاورت گله محله و کشتارگاه به عنوان مناطق متوسط و کم‌درآمد شهر است که به تدریج موجب تغییر بافت فرهنگی - اجتماعی محله می‌شود. ضمناً در بخش غربی و شمال‌غربی شهر در خیابان‌های توحید ۷ و ۸ و ۹ به سمت کمربندی بابلسر، شاهد ساخت و ساز گسترده طبقه پردرآمد شهر هستیم. این بخش از شهر به دلیل نزدیکی به رودخانه بابلرود و پایین بودن سطح آب‌های زیرزمینی (رودخانه به صورت زهکشی طبیعی عمل کرده و مانع از بالا آمدن سطح آب‌های زیرزمینی می‌گردد) از یک سو، و وقفی نبودن اراضی فوق از سوی دیگر، در زمره گران‌ترین زمین‌های مسکونی شهر بشمار می‌آیند. به تدریج و طی این دهه‌های اخیر طبقه پردرآمد از بخش مرکزی به سوی شمال‌غربی شهر در حال انتقال و اسکان هستند. بانجام مصاحبه با برخی اهالی بخش مرکزی شهر به نظر می‌رسد که خانواده‌های قدیمی و پردرآمد، سکونت در همان محله‌های قدیمی را ترجیح می‌دهند، لیکن گرایش اکثر خانواده‌های جوان و پردرآمد شهر سکونت در محلات جدید است.

#### خلاصه و نتیجه‌گیری

تحولات خاص سیاسی کشور طی دهه‌های اخیر و دیدگاه‌های اقتصادی دولت در قالب اجرای برنامه‌های عمرانی با هدف انتقال نیروی انسانی و سرمایه از مناطق روستایی به حوزه‌های شهری و نیز صنعتی کردن مناطق شهری موجب مهاجرت وسیع نیروی انسانی بدون زمین از مناطق روستایی به شهرها و از جمله شهر بابل شده است. متأسفانه برنامه‌ریزی‌های شهری و طرح‌های جامع کشور که غالباً فاقد بستر تئوریک روشن، بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و از سوی دیگر در مورد فرآیند رشد جمعیت بر آمارهای واقع‌بینانه اتکا ندارد و قادر به کنترل توسعه فضایی شهر نبوده و بعضاً موجب افزایش بهای زمین و مسکن شده است. این امر پس از انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی و برهم ریختن ساختار اشتغال کشور و عدم سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های تولیدی کشاورزی و صنعتی به دلیل هزینه‌های سنگین جنگ از یک سو، و عدم نظارت و قدرت اجرایی دوایر دولتی بر نحوه تصرف زمین در حاشیه شهر از سوی دیگر موجب افزایش جدایی‌گزینی و تمایزات فیزیکی - فضایی و اقتصادی - اجتماعی مناطق مسکونی شهر شده است. بدین گونه طی چند دهه اخیر تحولات سیاسی و نوع سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور و دولت بر ساخت داخلی شهر بابل و رشد و تحولات فضایی آن تأثیر اساسی بر جای نهاده است.

## منابع و مأخذ:

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۴)، اقتصاد روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲- ایمان، محمد تقی (۱۳۷۸)، تنگناهای روش شناختی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۸-۱۴۷.
- ۳- پوراحمد، احمد، شماعتی، علی (۱۳۸۰) توسعه فیزیکی شهر یزد و تاثیر آن بر ساختار جمعیت بافت قدیم شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.
- ۴- چمران، محمد هادی (۱۳۷۷)، بررسی و ارزیابی جایگاه اقتصادی و توسعه بخش روستایی در فرایند برنامه ریزی توسعه ملی، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه ریزی توسعه در ایران، جلد اول.
- ۵- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- خلیلی عراقی، منصور (۱۳۶۷)، شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی رویه شهر تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، اقتصاد ایران، نشرنی، تهران.
- ۸- رشیدی، علی (۱۳۷۱)، تحولات اقتصادی ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۶۶-۶۵، صص ۸۴-۷۸.
- ۹- رهنمایی، محمد تقی (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (جغرافیا)، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۱۰- ستوده، منوچهر (۱۳۶۶)، از آستارا تا استرآباد، جلد چهارم، قسمت اول، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۱- شکویی، حسین (۱۳۶۵)، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، چاپ اول دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۱۲- شیخی، محمد (۱۳۷۶)، جایگاه برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱، صص ۱۸۹-۱۸۲.
- ۱۳- عزیزاده، محمد. کازرونی، کاظم (۱۳۶۵)، سیاست‌ها، راهبردها، روند و ابعاد شهرنشینی در ایران، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی واجتماعی.
- ۱۴- قدیری معصوم، مجتبی. نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن بر نواحی روستایی، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۴، صص ۱۱۱-۱۲۱.
- ۱۵- گلزاری، مسعود (۱۳۶۴)، سفرنامه میگونف به سواحل جنوب دریای خزر، تصحیح تکمیل و ترجمه، چاپ اول، تهران.
- ۱۶- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵)، گزارش مشروح حوزه سرشماری بابل، وزارت کشور.
- ۱۷- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بابل، سازمان برنامه و بودجه.

- ۱۸- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان بابل، سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۹- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، نتایج نهایی شهرهای کشور، سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۰- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی شهرستان بابل، سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۱- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۴)، تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- ۲۲- مقدس خراسانی، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، تأثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۵۶ و ۵۵ صص ۶۸-۷۵.
- ۲۳- مهرگان، نادر (۱۳۷۱)، تحولات سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۶۲-۶۱، صص ۸۴-۹۱.
- ۲۴- مهندسین مشاور طرح و ابداع (۱۳۶۶)، طرح جامع بابل، تجدید نظر، سازمان برنامه و بودجه مازندران.
- ۲۵- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳)، نفت و توسعه اقتصادی در خاور میانه، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۸۰-۷۹، صص ۷۶-۸۵.
- ۲۶- نوازی حمیدرضا (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی توسعه شهری، ماهنامه شهرداریها، شماره ۳۹، صص ۲۳-۲۰.
- 27-Azizi, Mohammad Mehdi (1995) "The Precision Of Urban Infrastructure In Iran: An Emprical Evaluation" Urban Studies, Vol.32, No.3.
- 28-Haghyeghi, M (1990) Agrarian Reform Problems in Post-revolutionary Iran Middle East Studies, No 26.
- 29-Monk, S, Pearce, B.J, Withead, C.M.E (1996) "Landuse planning, Land Supply and House prices" Environment and Planing A, Vol 23.
- 30-Shirazi, A (1993) Islamic Policy the Agrarian Question in Iran By P.J.Ziess -Lawence. London: Lynne Rienner Publisher.
- 31-Wheeler, J.O, (1975) "Residential Location By Occupational Status" "Reading In Social Geography" Emrys Jones, Oxford University Press.